Archive of SID.ir

فصلنامه علمی «پژوهشنامه انقلاب اسلامی»
سال سیزدهم: شماره ۴۷، تابستان ۱۴۰۲
صفحات: ۹۲- ۷۵
شناسه دیجیتال (DOI): 10.22084/RJIR.2023.27380.3591
«مقاله‌ی پژوهشی»

Pažuhešhnâme-ye Enghelâbe Eslâmi
A Quarterly Scientific Journal
on Islamic Revolution
Vol 13, No 47, Summer 2023

عدالت سیاسی در اندیشه رهبران انقلاب اسلامی

محمدنبی آقاتقی[۱]
احمد بخشایش اردستانی[۲*]
سوسن صفاوردی[۳]

چکیده

هدف: تاکنون پژوهش‌های صورت گرفته در خصوص موضوع عدالت در اندیشه‌های رهبران انقلاب اسلامی بیشتر بر جنبه‌های دیگر عدالت تمرکز یافته است و کمتر پژوهشی به جنبه عدالت سیاسی پرداخته بود بنابراین هدف این پژوهش، بررسی مفهوم و جایگاه عدالت سیاسی در دیدگاه رهبران انقلاب اسلامی است.
روش‌شناسی پژوهش: نوع پژوهش در این نوشتار، بنیادی و بر اساس روش پژوهش تحلیلی است.
یافته‌ها: یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در دیدگاه رهبران انقلاب اسلامی فلسفه تشکیل حکومت اسلامی، ایجاد قسط و عدالت در جامعه می‌باشد. بر اساس این دیدگاه، شاخص‌های سه گانه حقوق سیاسی «حق انتخاب کردن»، «حق انتخاب شدن» و «حق نظارت، انتقاد و اعتراض» می‌تواند تأمین‌کننده الزامات عدالت سیاسی در راستای تعیین سرنوشت و مشارکت در فرآیند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در پیشبرد مدیریت و پیشرفت جامعه باشد.
نتیجه‌گیری: در دیدگاه رهبران انقلاب اسلامی، تحقق عدالت سیاسی منوط به لوازم سه گانه «نظام سیاسی عادلانه»، «امنیت» و «فرصت برابر» است. بر این اساس، در دیدگاه رهبران انقلاب، حکومت اسلامی- جمهوری اسلامی- از مصادیق نظام سیاسی عادلانه است که می‌تواند ضامن اجرا، حفظ و بقای تحقق عدالت سیاسی در جامعه باشد. تأمین نسبی امنیت در جامعه شرط لازم هرگونه برنامه و اقدام، جهت اجرای عدالت سیاسی است. همچنین تأمین زیرساخت‌های نظری، قانونی و ساختاری به‌منظور ایجاد فرصت برابر برای همگان از لوازم تحقق عدالت سیاسی می‌باشد.

کلید واژه‌ها: عدالت سیاسی، اندیشه سیاسی، رهبران انقلاب اسلامی، امام خمینی(ره)، آیت‌الله خامنه‌ای.

۱- دانشجوی دکترای علوم سیاسی، گرایش مسائل ایران، دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران
Email: mohtava1394@gmail.com
۲- استاد گروه علوم سیاسی، اندیشه‌های سیاسی دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
Email: ahmadbakhl-912@gmail.com
۳- استادیار گروه علوم سیاسی، اندیشه‌های سیاسی دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران
Email: safaverdi.so@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۱۷

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

مقدمه

مفهوم عدالت از مفاهیم پایه‌ای و اساسی در فلسفه‌ی اخلاق و سیاست به‌شمار می‌رود و با مفاهیم دیگری همچون برابری، آزادی، رفع تبعیض و احقاق حقوق گره خورده اسـت. عدالت همچنین ارتباط تنگاتنگی با مذهب، اخلاق، سیاست و جامعه دارد. عدالت هیچ‌گاه مربوط به جامعه‌ای خاص و مشخص نبوده، بلکه در ادیان مختلف و در دوره‌های زمانی مختلف بحث عدالت و عدالت‌خواهی و تلاش برای تحقق آن همواره وجود داشته است. در دین اسلام هم تأکید ویژه‌ای بر عدالت شده و یکی از راههای ایجاد جامعه مطلوب و فاضـله برقراری قسـط و عدالت عنوان شـده اسـت، تا جایی‌که در اسـلام عدالت معیاری برای سـنجش حکومت‌هاسـت و این موضـوع آنقدر مهم اسـت که برخی مشـروعیت یک نظام را بر پایه‌ی عادلانه یا غیرعادلانه بودن آن می‌سنجند و حکومت زمانی مشروع تلقی می‌شود که در آن عدالت رعایت شده باشد. (امام جمعه زاده و میلانی،۱۳۹۰: ۷۴)

انقلاب اسلامی بی‌تردید درصدد اجرای احکام اسلام و عملیاتی کردن عدالت به‌مثابه بنیادی‌ترین هدف تشکیل نظام جمهوری‌اسلامی در بافت حیات سیاسی و اجتماعی جامعه ایران است. عدالت در امر حکمرانی، مسئله‌ای کلان است که ساحت‌های مختلف سیاسی (عدالت سیاسی)، اجتماعی (عدالت اجتماعی)، اقتصادی (عدالت اقتصادی) و فرهنگی (عدالت فرهنگی) را دربر می‌گیرد. در میان شعارها و آرمان‌های انقلابیون در دهه‌ی پنجاه شمسی، رها شدن از یوغ استبداد و خفقان رژیم پهلوی و حاکم شدن بر سرنوشت خود مهم‌ترین مطالبه‌ای بود که همواره به‌واسطه انقلابیون دنبال می‌شد و نمود عینی آن را در شعار «استقلال، آزادی، جمهوری‌اسلامی» می‌توان دید. به‌نظر می‌رسد این شعار و آرمان، در نگاهی اجمالی، ترجمانی از فقدان عدالت سیاسی در دوره پهلوی و مطالبه‌گری مردم برای دوره پساانقلاب می‌باشد. عدالت سیاسی به معنای حکمرانی عادلانه بر مردم به منظور تأمین«فرصت برابر»، برای«حق انتخاب کردن»، «حق انتخاب شدن» و «حق نظارت بر قدرت» در راستای توزیع عادلانه ثروت و قدرت در جامعه با هدف بهبود رفاه عمومی و ارتقاء حقوق شهروندی است.

چارچوب مفهومی و نظری

هدف از نگارش این مقاله بررسی مفهوم و جایگاه عدالت سیاسی در دیدگاه رهبران انقلاب اسلامی است؛ در دیدگاه رهبران انقلاب اسلامی فلسفه تشکیل حکومت اسلامی، ایجاد قسط و عدالت در جامعه می‌باشد و بر اساس این دیدگاه، جمهوری‌اسلامی با هدف پاسداشت عدالت اجتماعی استقرار یافته و تداوم مشروعیت آن و همچنین کارگزاران به رفتار و جهت‌گیری عادلانه است. عدالت در امر حکمرانی، مسئله‌ای کلان است که ساحت‌های مختلف سیاسی (عدالت سیاسی)، اجتماعی (عدالت اجتماعی)، اقتصادی (عدالت اقتصادی) و فرهنگی (عدالت فرهنگی) را دربر می‌گیرد. عدالت سیاسی به معنای حکمرانی عادلانه بر مردم به منظور تأمین «فرصت برابر»، برای «حق انتخاب کردن»، «حق انتخاب شدن» و «حق نظارت بر قدرت» در راستای توزیع عادلانه ثروت و قدرت در جامعه با هدف بهبود رفاه عمومی و ارتقاء حقوق شهروندی می‌باشد.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

تحقق عدالت سیاسی منوط به لوازم سه گانه «نظام سیاسی عادلانه»، «امنیت» و «فرصت برابر» است. برخورداری مردم از نظام سیاسی عادلانه، حق تعیین سرنوشت، آزادی‌های سیاسی (قلم، بیان و احزاب)، مشورت، اعتراض و نظارت عمومی مهم‌ترین مصادیق حقوق سیاسی به‌شمار می‌آید که می‌توان تحقق آنها را در ذیل طرح کلان‌تری از حقوق سیاسی احصاء کرد. اول؛ حق انتخاب نمودن که ناظر بر انتخاب نوع نظام سیاسی و مسئولان و دولتمردان است و دوم؛ حق انتخاب شدن که ناظر بر رسیدن به مشاغل و مناصب سیاسی و مشارکت کردن در تصمیم‌گیری، قانونگذاری و اداره جامعه است و سوم؛ حق انتقاد و نظارت که ناظر بر نظارت همگانی بر رفتار مسئولان و دولتمردان از طریق به رسمیت شناختن آزادی قلم، بیان و احزاب است. بر طبق مباحث مطرح شده، اهداف نگارنده در راستای شناخت ادراک عدالت سیاسی در دیدگاه رهبران انقلاب مبتنی بر دو امر است: اول؛ دست یافتن به معیار و شناختی درست از تراز حقیقی نظریه عدالت سیاسی و دوم؛ شناسایی چارچوبی برای ارزیابی وضعیت موجود عدالت سیاسی در ساختار جمهوری اسلامی و گذر به وضعیت مطلوب. بر این اساس پرسش اصلی این تحقیق عبارت است از: عدالت سیاسی در اندیشه رهبران انقلاب اسلامی چگونه قابل تبیین است؟ و فرضیه این مقاله نیز عبارت است از: «از منظر رهبران انقلاب اسلامی، عدالت سیاسی به‌عنوان نمادی از عدالت اجتماعی است که تحقق آن منوط به اقامه نظام سیاسی عادلانه است».

پیشینه پژوهش

کتاب «عدالت سیاسی» به اهتمام سیدکاظم سید باقری (۱۳۹۳) متشکل از مجموعه مقالاتی است که به تبیین مسئله عدالت سیاسی در سیره معصومین(ع) و متفکران دینی معاصر نظیر امام خمینی(ره)، شهید صدر و آیت‌الله خامنه‌ای پرداخته است. این کتاب به مسئله عدالت سیاسی در جمهوری اسلامی به‌صورت عینی پرداخته نشده است.

اخوان کاظمی (۱۳۸۱) در کتابی با عنوان «عدالت در نظام سیاسی اسلام» تلاش کرده است فراتر از نگاه‌های غربی به عدالت، عدالت را از منظر اسلام مورد کندوکاو قرار دهد. البته تلاش اخوان کاظمی در این کتاب در سطح بحث‌های بنیادی و مقدماتی باقی مانده و عملاً طرحی برای عرصه عمل ارائه نمی‌کند.

محمدعلی ندائی (۱۳۸۵) در کتاب «عدالت در گفتمان انقلاب اسلامی» با محور قرار دادن قانون اساسی جمهوری اسلامی کوشیده است تا سطوح و وجوه عدالت را در گفتمان انقلاب اسلامی تشریح نماید. رویکرد نویسنده در این نوشتار حقوقی است و از منظر حکمرانی کمتر به مسائل نگریسته شده است در این مقاله این نقیصه رفع گردیده است.

عیوضی (۱۳۸۴) در مقاله‌ای با عنوان «گفتمان عدالت سیاسی در انقلاب اسلامی» تلاش کرده است از منظری آینده پژوهانه به فاصله موجود در وضعیت عدالت سیاسی در جمهوری اسلامی و وضعیت مطلوب بپردازد. به اعتقاد نویسنده عدالت سیاسی نیازمند پاسداری و صیانت در جمهوری اسلامی است و در حال

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

حاضر گفتمان عدالت سیاسی با چالش جامعه‌پذیری سیاسی در میان نسل‌های پیش‌رو مواجه است که بازنگری و اصلاح روش‌ها را در این رابطه می‌طلبد.

خواجه سروی (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان «فراز و فرود گفتمان عدالت در جمهوری اسلامی» تلاش کرده است تقریرات مختلف عدالت در گفتمان‌های سیاسی مختلف در دولت‌های مختلف نشان دهد. به اعتقاد خواجه سروی مفهموم عدالت با وجود گفتمان‌های مختلف عدالت در دولت‌های مختلف حکایت از یک نظریه تام و کامل در اندیشه سیاسی نظام جمهوری اسلامی دارد. این مقاله تلاش می‌کند عدالت سیاسی را با تمرکز بر رهبران انقلاب اسلامی مورد تدقیق قرار دهد و کاستی‌های موجود در این زمینه را برجسته نماید.

مدل تحقق عدالت سیاسی از منظر رهبران انقلاب اسلامی

عدالت سیاسی (political Justice) یکی از شاخه‌های عدالت اجتماعی، به‌شمار می‌آید، سیاست به قدرت، چگونگی توزیع آن و نسبت آن با مردم و حاکمان می‌پردازد، با وجود عدالت سیاسی می‌توان از وجود توازن، اعطای حقوق سیاسی، رعایت قانون و توزیع مطلوب قدرت میان شهروندان صحبت کرد. در این قلمرو، بسترهای لازم برای مشارکت فعالانه و آزادانه افراد در امور سیاسی مهیا می‌گردد و آزادی‌های گوناگون برای تحقق حق بیان، حق انتقاد، تشکیل اجتماعات، حق انتخاب شدن و حق انتخاب کردن، فراهم می‌آید و شهروندان در بیان دیدگاه خود، دارای مصونیت سیاسی می‌باشند.

در دیدگاه رهبران انقلاب اسلامی مباحث مربوط به عدالت سیاسی ذیل عنوان کلی عدالت مطرح و اشاره مستقیمی به این امر نشده است. با این حال در سیره فکری و عملی رهبران انقلاب بحث‌های متعدد و نکات ارزنده‌ای در رابطه با حقوق سیاسی دیده می‌شود. عدالت سیاسی یعنی اعطاء حقوق سیاسی شهروندان؛ می‌توان حقوق سیاسی شهروندان را چنین تعریف کرد: شاخه‌ای از حقوق بشر است که به حقوق انسان‌ها در عرصه سیاست اهتمام داشته و می‌کوشد حق تعیین سرنوشت انسان‌ها بر حیات سیاسی را با فراهم ساختن زمینه‌های مشارکت سیاسی در قالب‌هایی نظیر حق انتخاب کردن (نظام سیاسی، زمامداران و دولتمردان)، حق انتخاب شدن (تصدی مشاغل سیاسی) و حق نظارت، اعتراض و انتقاد (آزادی بیان و قلم، احزاب و سندیکاها) به رسمیت بشناسد و از آن‌ها صیانت نماید. تحقق عدالت سیاسی در بافت زندگی اجتماعی در گرو «لوازم»، «شاخص‌ها» و «سنجه» است. منظور از لوازم، بایسته‌هایی است که بدون تحقق آن، امکان رسیدن به اهداف ممکن نیست. به نظر می‌رسد لوازم اصلی تحقق عدالت سیاسی، «نظام عادلانه سیاسی»، «تأمین امنیت» و «ایجاد فرصت برابر» برای همگان است. نسبت نظام سیاسی با مسئله عدالت سیاسی از یک جنبه امری پیشینی و از جنبه دیگر امری پسینی است. از آن جهت که نظام سیاسی در فرآیند شکل‌گیری باید عادلانه‌ترین نظام سیاسی موجود باشد که حقوق سیاسی شهروندان را به رسمیت بشناسد امری پیشینی و از آن جهت که نظام سیاسی استقرار یافته می‌بایست تأمین کننده و تضمین‌کننده عدالت سیاسی در جامعه باشد امری پسینی است. امنیت به‌عنوان دومین لازمه تحقق عدالت سیاسی، در واقع به معنای فراهم بودن

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

نسبی شرایط سیاسی اجتماعی برای احقاق حقوق سیاسی شهروندان است. در شرایط ناامنی، هرج و مرج سیاسی و نابسامانی اجتماعی، امکان احقاق حقوق سیاسی شهروندان ممکن نیست. از یک سو، شهروندان باید در راستای دست یازیدن به حقوق سیاسی‌شان از تعدی دولت مصون باشند و از سوی دیگر، دولت باید با فراهم سازی نسبی امنیت زمینه لازم برای احقاق حقوق سیاسی شهروندان را فراهم سازد. فرصت برابر به‌عنوان سومین لازمه عدالت اجتماعی بر این نکته تأکید دارد که اولاً نگاه نظام سیاسی به مسئله برابری شهروندان چگونه و در ثانی چه مکانیزم‌های قانونی، نهادی و رفتاری برای ایجاد فرصت برابر در راستای استحقاق حقوق سیاسی در نظام سیاسی در نظر گرفته شده است. شاخص‌ها در واقع معیارهایی برای شناخت و شناسایی روند تحقق اهداف هستند. شاخص‌های تحقق عدالت سیاسی به رسمیت شناختن«حق انتخاب نمودن»، «حق انتخاب شدن» و «حق اعتراض و نظارت شهروندان» در گستره قلمرو سیاسی با هدف احقاق حقوق سیاسی شهروندان – حق تعیین سرنوشت– می‌باشد.

عدالت سیاسی در دیدگاه امام خمینی(ره)

پرداختن به دیدگاه امام خمینی(ره) در مسئله عدالت سیاسی بدین خاطر است که امام خمینی(ره) به‌عنوان بنیان‌گذار جمهوری‌اسلامی در مقام نظریه‌پرداز به مسائل حکمرانی اشاره کرده‌اند و شناخت ادراک ایشان از عدالت سیاسی، انتظار و توقع از شاخص و تراز رفتار مطلوب حکمرانی را نمایان می‌کند. براساس مدل مذکور تلاش می‌شود ادراک امام خمینی(ره) از عدالت سیاسی نشان داده شود.

لوازم عدالت سیاسی در دیدگاه امام خمینی(ره)

در دیدگاه امام خمینی(ره) از یک سو تنها حکمرانی عادلانه از میان حکومت‌های موجود، حکومت اسلامی و از سوی دیگر، حکومت اسلامی تنها قادر به احقاق حقوق سیاسی شهروندان عدالت سیاسی– می‌باشد. جانبداری امام(ره) از حکومت اسلامی ریشه در این پیش فرض دارد که نمی‌توان بدون تشکیل و استمرار نظام سیاسی عادلانه، انتظار تحقق عدالت سیاسی در جامعه را داشت. در واقع در دیدگاه امام(ره) مسئله عادلانه بودن حکومت با حق تعیین سرنوشت مردم – از مصادیق حقوق سیاسی– تلازم داشته و عملاً پذیرش و رضایت مردم از ماهیت و نوع نظام سیاسی نقش کلیدی در برداشت عادلانه یا غیرعادلانه نظم سیاسی دارد. در واقع، امام خمینی(ره) از نظرگاه عدالت سیاسی به نفی وضع موجود –رژیم پهلوی– می‌پردازد. نظرگاهی که هم در فرآیند شکل‌گیری نظام سیاسی و هم تداوم آن، ضامن بقای نفس حکمرانی و حقوق مردم می‌باشد.

حکومت اسلامی به‌مثابه نظام سیاسی عادلانه بدیل حکمرانی سلطنتی پهلوی است که امام خمینی(ره) برای جامعه ایران ارائه می‌دهند. عدالت مهم‌ترین ویژگی حکومت اسلامی است که باید در فرآیند شکل‌گیری، استقرار و تداوم نظام سیاسی جریان داشته باشد. اهمیت نظام سیاسی عادلانه در دیدگاه امام خمینی(ره) به خاطر این امر است که اجرا و نهادینه شدن عدالت در جامعه منوط به آن است. نظام سیاسی در فرایند

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

شکل‌گیری تا زمانی‌که به حقوق سیاسی مردم اهتمام نداشته باشد نمی‌توان انتظار تحقق عدالت در جامعه در دوران استمرار و تداوم آن داشت. از این‌رو امام خمینی(ره) در معرفی و توصیف حکومت اسلامی چنین می‌فرمایند:

«حکومت اسلامی یعنی یک حکومت مبتنی بر عدل و دمکراسی و متکی بر قواعد و قوانین اسلام» (بیانات امام خمینی، ج ۵: ۱۳۲ و ۱۳۳).

عدالت، مهم‌ترین مشخصه حکومت اسلامی در دیدگاه امام خمینی(ره) است. امام(ره) به منظور روشن کردن جهت‌گیری کلان حکمرانی در اسلامی، حکومت نبوی(ص) و علوی(ع) را به‌مثابه الگوی حکمرانی در اسلام مثال می‌زنند:

«... ما یک همچو حکومتی می‌خواهیم، که توجه به امر عدالت همچون پیامبر و علی(ع) داشته باشد...» (همان).

امام خمینی(ره) در بیان ویژگی‌های جزئی‌تر حکومت اسلامی، مبنای التزام حکمرانی اسلام به عدالت را تعهد به احقاق حقوق سیاسی در جامعه قرار داده و چنین می‌فرمایند: «اسلام حکومت دارد و حکومتش همان نحوی‌که حکومت‌های دیگری هست و تشکیلات دارد؛ تشکیلات دارد لکن تشکیلاتی که تمامش بر مبنای عدالت است. روابط حکومت با رعیت، با اصناف رعیت، روابط رعیت با حکومت، روابط حکومت با مذاهب اقلیت، روابط مردم جامعه با اقلیت‌ها، روابط حکومت با حکومت‌های دیگر، روابط خود جامعه‌ی اسلامی با جوامع دیگر، تمام این‌ها قوانین دارد» (همان، ج ۴: ۴۱۹). از دیدگاه امام خمینی(ره) تشکیل نظام سیاسی عادلانه از لوازم اصلی تحقق عدالت سیاسی است، چنانچه می‌فرمایند؛

«... من امیدوارم که حکومت اسلامی در ایران تشکیل بشود و از مزایایی که در حکومت اسلام هست، بر بشر روشن بشود تا بشریت بفهمد که دین اسلام چه دینی است، و در روابط بین حکومت و ملت‌ها چه روابطی است و در طرز اجرای عدالت چه نحوی است و شخص اول مملکت با رعیت چه جور فرقی دارد در زندگی...» (همان، ج ۴: ۴۱۷).

امنیت در سطح کلان و امنیت سیاسی در سطح خرد، دومین لازمه تحقق عدالت سیاسی است. امنیت در سطح کلان به معنای فقدان تهدید علیه جامعه و نبودن مانع در راستای پیشبرد اهداف است. مهم‌ترین تهدید در جامعه انسانی، تهدید نظامی است که به‌صورت مستقیم و آشکار جان انسان‌ها را هدف قرار می‌دهد. امنیت سیاسی به معنای فقدان تهدیدهای سیاسی و نبود مانع علیه شهروندان در راستای احقاق حقوق سیاسی می‌باشد. این‌که شهروندان بتوانند بدون هیچ ترس و نگرانی مالی و جانی احقاق حقوق سیاسی خود را بکنند. مرجع تهدید سیاسی می‌تواند دولت، گروه‌های فشار و ذی‌نفوذ، حتی احزاب و جناح‌های سیاسی باشند. جامعه ناامن درگیر نابسامانی اجتماعی، هرج و مرج، بی‌هنجاری و قانون‌گریزی بوده و افراد جامعه می‌کوشند منافع فردی خود را به شیوه‌های نامتعارف و غیرمشروع بدون توجه به مصالح و منافع اجتماعی تأمین کنند. در چنین جامعه‌ای صحبت از حقوق سیاسی و ایفای آن، امری گزاف و پوچ است. احقاق حقوق سیاسی زمانی معنا پیدا می‌کند که حقوق اولیه انسان – مثل حق حیات– در سطوحی تضمین و تأمین گردد.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

تحقق عدالت سیاسی پس از تشکیل حکومت نیازمند امنیت حداکثری و به‌صورت خاص، امنیت سیاسی در جامعه است. حکومت‌هایی می‌توانند سطوحی از امنیت سیاسی در جامعه را محقق نمایند که اولاً براساس روند و ساختاری عادلانه شکل گرفته شده باشند و در ثانی تحقق عدالت را سرلوحه برنامه‌ها و اقدامات قرار داده‌اند. در دیدگاه امام خمینی(ره) بر لزوم امنیت سیاسی شهروندان در راستای احقاق حقوق سیاسی تأکید شده است: «اختناق در اسلام نیست؛ آزادی است در اسلام برای همه طبقات: برای زن، برای مرد، برای سفید، برای سیاه، برای همه. مردم از این به بعد باید از خودشان بترسند نه از حکومت؛ از خودشان بترسند که نبادا خلاف بکنند. حکومت عدل [از] خلاف‌ها جلوگیری می‌کند، جزا می‌دهد. ما از خودمان باید بترسیم که خلاف نکنیم والّا حکومت اسلام خلاف نخواهد کرد» (همان، ج ۶: ۴۶۳). امام خمینی(ره) همچنین ایجاباً بر لزوم امنیت سیاسی شهروندان تأکید دارند:

«مردم در دادن رأی به اشخاص واجد شرایط آزاد هستند و هیچ‌کس را حق الزام کسی نیست» (همان، ج ۱۷: ۱۳۳).

اعتقاد و قائل بودن حکومت و دولتمردان به فرصت برابر شهروندان، از دیگر لوازم تحقق عدالت است. در عرصه عدالت سیاسی، فرصت برابر یعنی این‌که همه شهروندان جامعه بتوانند بالسویه – به‌طور یکسان– احقاق حقوق سیاسی نمایند. بدون ایجاد زمینه و فرصت برابر در جامعه امکان ایفای حقوق سیاسی – مثلاً انتخاب شایسته دولتمردان یا رسیدن به مشاغل سیاسی– ممکن نیست. فرصت برابر به معنای این است که همه انسان‌ها در مقابل قانون که فصل‌الخطاب امور در جامعه است علی‌السویه در مقام قانون‌گذاری و دادخواهی، پنداشته شوند. جنسیت، رنگ، نژاد، تعلق داشتن به طبقه اجتماعی یا جناح و گروه سیاسی، حاکم و محکوم بودن تمایزی برای افراد جامعه در مقابل قانون به‌وجود نیاورد. با فرض وجود یا بخشی از حقوق سیاسی در جامعه، همگان از آن برخوردار باشند. از نظرگاه عدالت سیاسی، فرصت برابر یعنی همه انسان‌ها بالقوه حقوق سیاسی دارند و قانون به‌مثابه مرجع عالی باید حافظ و تأمین کننده حقوق سیاسی آحاد شهروندان بدون هیچ‌گونه تبعیضی باشد. امام خمینی(ره) در این رابطه چنین می‌فرمایند:

«در اسلام همه کس حتی پیامبر عظیم الشأن(ص) در مقابل قانون، بی‌امتیاز در یک صف هستند و احکام قرآن و اسلام بر همه جاری است» (همان، ج ۱۴: ۲۲۱).

نکته مهم در دیدگاه امام(ره) این است که مرجع تعیین حقوق سیاسی شهروند در نظام اجتماعی اسلام، خداوند متعال بوده و همه افراد بدون هیچ کم و کیفی در مقابل آن برابر هستند. از منظر امام خمینی(ره) عموم مردم در موضوع انتخابات حق و انتخاب مستقلی دارند چنانچه می‌فرمایند:

«هیچ‌کس در انتخابات بر دیگری مقدم نیست، همه افراد ملت یک جور هستند در انتخابات، یعنی همان آدمی که یک کار کوچکی انجام می‌دهد با آن کسی که در رأس همه امور هست در باب انتخابات هیچ با هم فرقی ندارند، این یک رأی دارد، آن هم یک رأی دارد» (همان، ج ۱۸: ۳۸۰).

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

شاخص عدالت سیاسی در دیدگاه امام خمینی(ره)

حق انتخاب داشتن و نمودن یکی از مهم‌ترین حقوق سیاسی شهروندان می‌باشد که در عرصه‌های چون انتخاب نوع نظام سیاسی، پذیرش قانون اساسی و انتخاب مسئولان و دولتمردان در قالب رجوع به آراء عمومی نمود عینی می‌یابد. در دیدگاه امام خمینی(ره) حقوق سیاسی شهروندان در سه عرصه مذکور به رسمیت شناخته شده است.

مهم‌ترین عرصه حق انتخاب مردم، انتخاب نوع حاکمیت و نظام سیاسی است. متخصصان علم حقوق، حق انتخاب مردم در این عرصه را جزء بارزترین مصادیق حق تعیین سرنوشت انسان‌ها به‌شمار می‌آورند.

امام خمینی(ره) در مقام حاکم اسلامی در فرایند شکل‌گیری جمهوری‌اسلامی بلافاصله پس از سرنگونی رژیم پهلوی با اتکاء بر حق تعیین سرنوشت مردم مبادرت به برگزاری رفراندم نوع نظام سیاسی در ۱۲ فروردین ۱۳۵۹ کردند. در این رفراندام ۹۸/۲ واجدان شرایط شرکت در همه‌پرسی به نظام سیاسی مبتنی بر «جمهوری‌اسلامی» رأی «آری» دادند. در هیچ یک از انقلاب‌های بزرگ جهان در چنین مدت کوتاهی رجوع به آراء عمومی، مسبوق به سابقه نبوده است. امام خمینی(ره) فراتر از قائل شدن به حق مردم در انتخاب نوع و شیوه حکومت، حتی تخلف از حکم ملت در امر حکمرانی را جایز نمی‌دانند: «اینجا آراء ملت حکومت می‌کند. اینجا ملت است که حکومت را در دست دارد. این ارگان‌ها را ملت تعیین کرده است. و تخلف از حکم ملت برای هیچ یک از ما جایز نیست و امکان ندارد» (همان، ج ۱۴: ۱۶۵).

از دیگر نمودهای عینی حق انتخاب مردم، پذیرش یا رد قانون اساسی است. قانون اساسی مهم‌ترین میثاق حقوقی فی مابین مردم و حکومت بوده و در سلسله مراتب حقوقی کشور، اولویت نخست و شانی بالادستی در مقایسه با سایر اسناد حقوقی دارد. در قانون اساسی چارچوب رفتار نظام سیاسی در قبال مردم، وظایف و اختیارات حکومت و حقوق و تکالیف مردم مشخص می‌شود. در فرایند تشکیل حکومت پس از مشخص شدن ماهیت و نوع نظام سیاسی، مهم‌ترین عرصه حق انتخاب مردم پذیرش یا رد قانون اساسی است. امام خمینی(ره) در فرآیند تدوین قانون اساسی ابتدائاً پیشنهاد تشکیل مجلس خبرگان قانون اساسی می‌دهند. مجلسی که براساس آراء مردم در ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ تشکیل می‌شود.

یکی از حقوق سیاسی مردم امکان قرار گرفتن در مناصب و مشاغل سیاسی است. نظر به این‌که مناصب سیاسی، مناصب حساس و با اهمیتی به حساب می‌آیند در تمامی نظام‌های سیاسی شرایط و ویژگی‌های سختی برای انتخاب شوندگان در نظر می‌گیرند. لحاظ کردن این ویژگی‌ها سبب شده است دامنه انتخاب شوندگان محدود گردد. چنین سخت‌گیری‌هایی برای مناصب سیاسی عقلاً و منطقاً صواب است. چرا که دامنه تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات متصدیان مناصب عالی سیاسی با سرنوشت تمامی اعضای جامعه در پیوند است. بر اساس تفکر امام خمینی(ره)، مناصب حکمرانی به دو شیوه انتخابی و انتصابی تعیین می‌شوند. در شیوه انتخابی، مردم مستقیماً دولتمردان خود را انتخاب می‌کنند و در شیوه انتصابی، مردم در انتخاب دولتمردان، نقش مستقیم ندارند و منصب حکمرانی حسب نظر شارع به شخصی خاص واگذار شده است. گرچه عناوین انتخابی و انتصابی مناصب حکمرانی، ممکن است این ابهام را ایجاد کند که همگان در نظام

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

سیاسی اسلام امکان قرار گرفتن در مناصب عالی حکمرانی را ندارند اما واقع امر آن است که حتی در مناصب انتصابی حکمرانی، فرصت برای همگان برابر است. بدین معنا که فرد می‌تواند با فراهم کردن شرایط لازم در جرگه انتخاب شدگان قرار گیرد. به‌عنوان مثال، عنوان رهبری جامعه اسلامی عالی‌ترین مقام رسمی در جمهوری‌اسلامی است که با شرایطی خاص –علم، عدالت، تدبیر و شجاعت– فقیه جامع الشرایط شایستگی تصدی آن را بر عهده دارد یا منصب رئیس قوه قضائیه از دیگر مناصبی است که مختص فقیه می‌باشد. فقیه جامع الشرایط یا مجتهد، عنوانی نیست که بالذات به فرد یا صنفی خاص از بدو تولد تعلق گرفته شده باشد، بلکه فرد باید با ممارست علمی، مجدانه و مخلصانه به این امر نائل گردد و رسیدن به چنین جایگاهی در بادی امر برای همگان ممکن است. با این حال، حق انتخاب شدن برای مقام عالی کشور با حق انتخاب کردن مردم پیوند خورده است: «اگر مردم به خبرگان رأی دادند تا مجتهد عادلی را برای رهبری حکومتشان تعیین کنند، وقتی آنها هم فردی را تعیین کردند تا رهبری را به عهده بگیرد، قهری او مورد قبول مردم است. در این صورت او ولی منتخب مردم می‌شود و حکمش نافذ است» (همان، ج ۲۱: ۳۷۱).

در جمهوری‌اسلامی رسیدن به مناصب سیاسی دیگر چون رئیس‌جمهوری، نمایندگی مجلس، نمایندگی خبرگان رهبری، وزارت و... در مقایسه با مقام رهبری با سهولت بیشتری امکان پذیر است و همگان می‌توانند با فراهم کردن زمینه و شرایط، خود را در محرز انتخاب مستقیم یا غیرمستقیم مردم قرار دهند.

حق نظارت بر قدرت سیاسی از دیگر حقوق سیاسی شهروندان می‌باشد که پیوند وثیقی در میزان تحقق عدالت سیاسی و کارآمدی در جامعه دارد. سیاستمداران و دولتمردانی که مخالف اداره دموکراتیک جامعه هستند همواره برخلاف میل باطنیشان می‌کوشند سطوحی از فضای باز و آزاد دموکراتیک را برای اقناع افکار عمومی و مدیریت مخالفان حتی به‌صورت نمایشی نشان دهند. در دیدگاه امام خمینی(ره) حق نظارت بر حکمرانی به‌مثابه حق ذاتی و شرعی مردم به‌شمار می‌آید که ریشه در مبانی دینی اصل امر به معروف و نهی از منکر و همچنین النصیحه للائمه المسلمین دارد. امام(ره) همگان را به نظارت عمومی بر رفتار و عملکرد حکومت فرا می‌خواند: «حکومت و زمامداری در دست فرد یا افراد، وسیله فخر و بزرگی بر دیگران نیست که از این مقام بخواهد به نفع خود حقوق ملتی را پایمال کند. هر فردی از افراد ملت حق دارد که مستقیماً در برابر سایرین، زمامدار مسلمین را استیضاح کند و به او انتقاد کند و او باید جواب قانع کننده بدهد» (همان، ج ۵: ۴۰۹). امام خمینی(ره) در مقام رهبر جامعه اسلامی خود را مصون از خطاء و اشتباه نمی‌داند و از همگان می‌خواهد نظارت بر رفتار وی داشته باشند: «خدا می‌داند که شخصاً برای خود ذره‌ای مصونیت و حق و امتیاز قائل نیستم. اگر تخلفی از من هم سر زند مهیای مؤاخذه‌ام» (همان، ج ۲۱: ۲۸۲).

حضرت امام راحل در خصوص موضوع امر به معروف و نهی از منکر حساسیت ویژه‌ای داشتند چنانچه نظارت همگانی آحاد مردم بر مسئولین را جزو ضروریات حکمرانی اسلامی می‌دانستند؛

«...، الآن مکلّفیم ما، مسئولیم همه مان، همه مان مسئولیم، نه مسئول برای کار خودمان؛ مسئول کارهای دیگران هم هستیم «کُلُّکم راعٍ وَ کُلُّکُمْ مَسؤُولٌ عَن رَعِیَّته»همه باید نسبت به همه رعایت بکنند. همه

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

باید نسبت به دیگران. مسئولیت من هم گردن شماست؛ شما هم گردن من است. اگر من پایم را کج گذاشتم، شما مسئولید اگر نگویید چرا پایت را کج گذاشتی؟ باید هجوم کنید، نهی کنید که چرا؟ اگر خدای نخواسته یک معمّم در یک جا پایش را کج گذاشت، همه روحانیون باید به او هجوم کنند که چرا برخلاف موازین؟ سایر مردم هم باید بکنند. نهی از منکر اختصاص به روحانی ندارد؛ مال همه است. امت باید نهی از منکر بکند؛ امر به معروف بکند...» (همان، ج ۸: ۴۸۷).

حضرت امام خمینی(ره) مهم‌ترین وظیفه نظارتی مردم را در جلوگیری کردن از قدرت طلبی و مال طلبی مسؤلین و مدیران کشور می‌دانند چنانچه می‌فرمایند؛

«...، اگر ملت می‌خواهد که این پیروزی تا آخر برسد و به منتهای پیروزی که آمال همه است برسد، اگر مردم بخواهند که اسلام را حفظ کنند، جمهوری‌اسلامی را حفظ کنند باید مواظب آنهایی که دولت را تشکیل می دهند، آن که رئیس جمهور است، آن که مجلس هست، مجلسی هست، همهٔ اینها را توجه بکنند که مبادا یک وقتی از طبقهٔ متوسط به طبقهٔ بالا و به اصطلاح خودشان مرفه به آن طبقه برسد...، خود مردم باید جلویش را بگیرند...» (همان، ج ۱۶: ۱۹–۲۵).

ایشان تأکید فراوانی بر حق نظارت مردم بر مسؤلین و حاکمان نظام اسلامی داشتند چنانچه در تاریخ ۳ اسفند ماه ۱۳۶۷، می‌فرمایند؛

«...، این را دلیل عدالت نظام بدانند که امتیازی برای هیچ کس قائل نیست و خدا می داند که شخصاً برای خود ذره ای مصونیت و حق و امتیاز قائل نیستم. اگر تخلفی از من هم سر زند مهیای مؤاخذه ام...» (همان، ج ۲۱ : ۲۸۲).

عدالت سیاسی در دیدگاه آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای

اندیشه‌های مقام معظم رهبری در خصوص عدالت بطور عام و عدالت اجتماعی و سیاسی بطور خاص قرابت زیادی به اندیشه‌های حضرت امام خمینی(ره) دارد. در حقیقت ایشان طی سه دهه و اندی پس از امام راحل که وظیفه رهبری نظام اسلامی را به عهده داشتند به سمت اجرایی کردن و تبیین بیشتر همان گفتمان امام و انقلاب پرداختند. در دیدگاه ایشان، مهم‌ترین وظیفه نظام اسلامی اجرای عدالت است، چنانچه می‌فرمایند؛ «...، حکومت معنایش چیست؟ حکومت معنایش این است که انسان حقّی را احقاق کند؛ عدل را بر پا بدارد» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۷۲/۰۶/۳).

لوازم عدالت سیاسی

در دیدگاه رهبری انقلاب، عدالت ورزی در جمهوری‌اسلامی ناشی از الگوی عدالت ورزی در مبانی اسلامی و متأثر از دیدگاه‌های پیامبر اکرم(ص) و حضرت علی(ع) بوده است. چنانچه مقام معظم رهبری در سخنانی در تاریخ ۱۳۸۱/۶/۳۰ در این خصوص می‌فرمایند؛

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

«...شاخصه دومِ حکومت امیرالمؤمنین عدالت است؛ عدالتِ مطلق. یعنی هیچ مصلحت شخصی و هیچ سیاست مربوط به شخص خود را بر عدالت مقدّم نمی‌کند. «أتأمرونّی ان اطلب النصر بالجور لا واللّه»؛ همه این حرف‌هایی که راجع به امیرالمؤمنین درباره عدالت شنیده‌اید، محورش همین عدالت‌طلبی مطلقِ امیرالمؤمنین است. عدالت برای همه و عدالت در همه شؤون؛ یعنی عدالت اقتصادی، عدالت سیاسی، عدالت اجتماعی و عدالت اخلاقی...» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۸۱/۶/۳۰).

در این مسیر هدف نهایی بسط و گسترش عدالت تحقق عدالت سیاسی و بهره‌مندی آحاد مردم از حقوق حقه خود در وجوه مخالف جامعه و حکومت است چنانچه مقام معظم رهبری می‌فرمایند؛ «...، امروز مهم‌ترین حرف نظام اسلامی عدالت است. امروز ما می‌خواهیم عدالت اجرا شود. همه تلاش‌ها و مجاهدت‌ها برای این است که در جامعه عدالت تأمین شود؛ که اگر عدالت تأمین شد، حقوق انسان و کرامت بشری هم تأمین می‌شود و انسان‌ها به حقوق و آزادی خود هم می‌رسند. بنابراین عدالت محور همه‌چیز است» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۷۲/۰۶/۳).

در اندیشه مقام معظم رهبری موضوع امنیت دارای جایگاه ویژه‌ای است زیرا ایشان پایه اصلی رشد کشور را داشتن امنیت تلقی می‌کنند؛« ...، امنیت در یک کشور- چه امنیت اجتماعی و مدنی، چه امنیت روانی و اخلاقی- یکی از پایه‌ها و ارکان اصلی پیشرفت و قوام و سربلندی کشور است. بدترین بلائی که می‌توان بر سر یک ملتِ رو به رشد و پیشرفت وارد آورد، سلب امنیت است» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۹۰/۶/۲۹). مقام معظم رهبری توجه دقیقی به شقوق امنیت و خصوصاً امنیت سیاسی داشته‌اند چنانچه تعریف بسیطی از امنیت سیاسی ارائه داده‌اند؛ «...، امنیت سیاسی معنایش این است که تفکّرات و معارف سیاسی در جامعه، معارف واضح و دور از نفاق و دوگونه‌گویی و دوگونه‌اندیشی باشد. معنایش این است که کسانی که متصدّی بیان مسائل سیاسی برای مردم هستند، نسبت به مردم امانت به‌خرج دهند. معنایش این است که کسانی که متصدّی نوشتن و پخش کردن و منتشر کردنِ معارف فکری جامعه هستند، دروغ نگویند، فریب ندهند، تقلّب نکنند و در طعامی که علی‌الظّاهر شیرین هم هست، زهر مخلوط نکنند؛ این امنیت سیاسی است.آن قلمی که برمی‌دارد بیست سال تلاش و مجاهدت مظلومانه و فداکارانه این ملت را در مقابله با قدرت‌های زورگوی چپاولگرِ دشمنِ ظالم انکار می‌کند، این امنیت سیاسی کشور را به هم می‌زند و ناامنی فکری ایجاد می‌کند. آن کسی که در داخل کشور، با استفاده از امکاناتی که قانون و بیت‌المالِ این مردم در اختیار او گذاشته است، برمی‌دارد خواسته‌های دولت‌مردان و سیاست‌مداران فلان کشور دشمن را توجیه می‌کند و با قالب‌های علی‌الظّاهر پسندیده، به خورد یک عده می‌دهد، این ناامنی سیاسی و فکری ایجاد می‌کند...» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۷۸/۶/۱۰). مقام معظم رهبری در خصوص صیانت از آراء مردم در انتخابات که در واقع صیانت و پاسداری از امنیت سیاسی و حقوق سیاسی آحاد مردم می‌باشد می‌فرمایند؛«...، حفظ وصیانت از آراء مردم بسیار مهمّ است. مسؤولان همه تلاش خود را بکنند تا ان‌شاءاللّه آراء مردم کاملاً حفظ و صیانت شود؛ انتخابات سالمی برگزار گردد، ...» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۸۲/۱۱/۲۴). از زاویهٔ دیگر، ایشان نقش مدیران و مسؤلین نظام اسلامی را در حفظ امنیت سیاسی یا

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

ایجاد ناامنی سیاسی مهم تلقی‌می‌کنند چنانچه می‌فرمایند؛«...، آن کسی که در داخل کشور، با استفاده از امکاناتی که قانون و بیت‌المالِ این مردم در اختیار او گذاشته است، برمی‌دارد خواسته‌های دولت‌مردان و سیاست‌مداران فلان کشور دشمن را توجیه می‌کند و با قالب‌های علی‌الظّاهر پسندیده، به خورد یک عده می‌دهد، این ناامنی سیاسی و فکری ایجاد می‌کند...» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۷۸/۶/۱۰).

در دیدگاه مقام معظم رهبری مسئله گزینش سیاسی برابر و موضوع فرصت برابر مبتنی بر عدالت خواهی بوده است چنانچه ایشان می‌فرمایند؛ «...، ما برای عدالت و رفع تبعیض آمده‌ایم. ما آمده‌ایم جامعه را از مواهب الهی خودش –که مهم‌ترین مواهب الهی در عدالت وجود دارد – و همچنین مواهب اخلاقی و معنوی برخوردار کنیم، ...، مشروعیت من و شما وابسته به مبارزه با فساد، تبعیض و نیز عدالت‌خواهی است. این، پایه مشروعیت ماست، ...، اما حقیقت قضیه این است که اگر ما دنبال عدالت نباشیم، حقیقتاً من که این‌جا نشسته‌ام، وجودم نامشروع خواهد بود؛ یعنی هرچه اختیار دارم و هرچه تصرّف کنم، تصرّف نامشروع خواهد بود؛ دیگران هم همین‌طور، ...، تکلیف ما این است که عدالت را در جامعه مستقر کنیم و این هم جز با مبارزه علیه فساد و افزون‌طلبی انسان‌های مفت‌خوار و سوءاستفاده‌کن امکان‌پذیر نیست. بخشی از کار عدالت این‌جا تنظیم می‌شود» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در تاریخ در ۱۳۸۲/۶/۵).

یا در سخنرانی دیگری در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری بر موضوع فرصت برابر مبتنی بر عدالت فرمودند؛«...، میدان مهم‌تر و دشوارتر میدان بسط عدالت، رفع تبعیض و جلوگیری از تطاول به بیت‌المال است. هرکس که با نوعی تخلّف – چه تخلّف‌های محسوس و چه تخلّف‌های نامحسوس – دستی در بیرون از مرز قانونیِ مجاز برای خود دارد، با این مبارزه مخالفت و معارضه می‌کند. این‌که ما گفتیم برای عدالت‌طلبی باید مبارزه کرد؛ برای مبارزه با فساد باید همه دست به دست هم بدهند و فساد اقتصادی – بخصوص در بین مسؤولان و کسانیکه دستی در امور بیت‌المال دارند – باید جدّی گرفته شود، به‌خاطر همین است که این کار جزو مشکل‌ترین‌ها و در عین حال اگر به نتیجه برسد، جزو پُربرکت‌ترین‌هاست. تا وقتی در جامعه عدالت باشد، تبعیض نباشد، نگاه متفاوت به اشخاص و قشرها نباشد و امتیازطلبی‌های زیادی و نابحق و نابجا در جامعه وجود نداشته باشد، مردم بر خیلی از ناکامی‌ها صبر می‌کنند، ...» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۸۲/۶/۱۹).

در سیره عملی رهبر انقلاب، حساسیت در ایجاد فرصت برابر در زمینه تبلیغات انتخاباتی که از مکانیزم‌های احقاق حقوق سیاسی شهروندان است همچنین دیده می‌شود: «رفتار داوطلبان در ریخت‌وپاش و خرج و تبلیغاتِ زیاد از اندازه‌ی لازم می‌تواند ماها و آحاد مردم را نسبت به آنچه که بعداً پیش خواهد آمد، آگاه و هشیار و بیدار کند. آن کسی که یا از بیت‌المال هزینه می‌کند، یا از پول مشتبه به حرامِ بعضی‌ها استفاده می‌کند، نمی‌تواند اطمینان مردم را جلب کند؛ به این چیزها خیلی باید توجه کرد» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۹۲/۳/۶).

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

شاخص‌های عدالت سیاسی

رأی مردم به‌مثابه تأیید نظام سیاسی و قانون اساسی: در دنیای معاصر، حق انتخاب نمودن در قالب حق رأی مردم شناسایی می‌شود. به‌عبارتی دیگر، میزان اعتبار رأی مردم در یک نظام سیاسی مشخصه میزان اهتمام آن نظام سیاسی به حقوق سیاسی شهروندان است. نظر به این‌که در دوران زعامت و رهبری آیت‌الله خامنه‌ای، مرحله تثبیت و استمرار نظام جمهوری‌اسلامی می‌باشد سبک و سیاق حق انتخاب نمودن مردم متفاوت با دوران تشکیل نظام جمهوری اسلامی است. در این دوران برخی از مصادیق حق انتخاب نمودن مردم در قالب رأی به نوع نظام سیاسی، خبرگان تدوین قانون اساسی و قانون اساسی مابه ازای بیرونی ندارد. با این حال، اعتبار رأی مردم در حکمرانی جمهوری‌اسلامی همچون دوران زعامت امام خمینی(ره) بی‌بدیل و حائز اهمیت، ارزیابی می‌گردد. از منظر مقام معظم رهبری جایگاه آراء آحاد مردم حقیقی و اثر گذار است چنانچه می‌فرمایند؛ «...، در محیط اسلامی، رأی و خواست مردم در مسیر جهت‌گیری و منش عمومی نظام، تأثیر بنیانی و تعیین‌کننده‌ای دارد و باید داشته باشد» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۷۴/۳/۸). ایشان انتخابات را مؤثرترین محمل برای مشارکت سیاسی آحاد مردم می‌دانند؛ «...، نظام مردم‌سالاری دینی، متکی به انتخابات است. بدون انتخابات، مردم‌سالاری نخواهد بود. معیار تکیه‌ی به مردم، معیار مشهود و محسوس و قابل اندازه‌گیری، همین انتخابات است» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۹۰/۱۲/۱۸). همچنین مقام معظم رهبری انتخابات را مظهر تأمین حق مشارکت سیاسی آحاد مردم می‌دانند؛ «...، انتخابات، مظهر حضور مردم، مظهر احقاق حق و مظهر توانایی و اقتدار ملی برای یک کشور است، ...» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۷۸/۱۱/۲۶).

در نظرگاه مقام معظم رهبری انتخاب مسئولین و مدیران نظام اسلامی جزء حقوقی اساسی و اصلی آحاد مردم است؛ «...، عرصه اوّل، عرصه تکیه نظام به آراء مردم است. تکیه نظام به آراء مردم، یکی از میدان‌هایی است که مردم در آن نقش دارند. حضور مردم و اعتقاد به آنها باید در این‌جا خود را نشان دهد. در قانون اساسی ما و در تعالیم و راهنمایی‌های امام، همیشه بر این نکته تأکید شده است که نظام بدون حمایت و رأی و خواست مردم، در حقیقت هیچ است. باید با اتّکاء به رأی مردم، کسی بر سر کار بیاید. باید با اتّکاء به اراده مردم، نظام حرکت کند. انتخابات ریاست جمهوری، انتخابات خبرگان، انتخابات مجلس شورای اسلامی و انتخابات دیگر، مظاهر حضور رأی و اراده و خواست مردم است. این یکی از عرصه‌هاست. لذا امام بزرگوار، هم در دوران حیات خود به‌شدّت به این عنصر در این عرصه پایبند باقی ماند و هم در وصیّت‌نامه خود آن را منعکس و به مردم و مسؤولان توصیه کرد. در حقیقت انتخابات و حضور مردم در صحنه انتخابِ رئیس جمهور، نمایندگان مجلس و یا سایر انتخاب‌هایی که می‌کنند، هم حقّ مردم است، هم تکلیفی بر دوش آنهاست. در نظام اسلامی، مردم تعیین‌کننده‌اند. این هم از اسلام سرچشمه می‌گیرد، ...» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۸۰/۳/۱۴). یا در سخنانی در مراسم شانزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمةالله) در سال ۱۳۸۴، فرمودند؛ « ...، امروز در کشور ما مسئولانِ سطوح مختلف به‌وسیله‌ی مردم انتخاب شده‌اند؛ یا مستقیم یا غیرمستقیم. مسئول انتصابی، مسئولیت موروثی، مسئولیت به خاطر پول و چیزهای مادی و

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

دنیوی، در نظام جمهوری اسلامی نداریم. انتخابات ریاست جمهوری، انتخابات مجلس شورای اسلامی، انتخابات خبرگان تعیین رهبری، و انتخابات شورای شهر جزو افتخارات ملت ایران، جزو افتخارات اسلام، و جزو افتخارات شخص امام است .قانون اساسی ما با تعیین موارد این انتخاب‌های حساس و سرنوشت‌سازِ مقطعی توانسته است در دنیای اسلام، ذهن‌ها و فکرهای مؤمن و روشن و تحول‌خواه را به خود جذب کند. مبنای مردم‌سالاری دینی با مبنای دمکراسی غربی متفاوت است. مردم‌سالاری دینی – که مبنای انتخابات ماست و برخاسته‌ی از حق و تکلیف الهیِ انسان است –صرفاً یک قرارداد نیست. همه‌ی انسان‌ها حق انتخاب و حق تعیین سرنوشت دارند؛ این است که انتخابات را در کشور و نظام جمهوری اسلامی معنا می‌کند. این، بسیار پیشرفته‌تر و معنادارتر و ریشه‌دارتر از چیزی است که امروز در لیبرال دمکراسی غربی وجود دارد؛ این از افتخارات ماست؛ این را باید حفظ کرد، ...» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۸۴/۳/۱۴).

مقام معظم رهبری در عین حال تأکید بسزایی بر صیانت از آراء مردم و حمایت از منتخبین مردم دارند؛ «... البته رهبری در پشتیبانی از رئیس‌جمهور هیچ‌گونه درنگی نمی‌کند. کسی را که مردم انتخاب کنند و رئیس‌جمهور قانونی کشور شود، همیشه مورد احترام و تکریم و حمایت جامع رهبری در همه‌ی دولت‌ها بوده؛ بعد از این هم باید باشد. اما آنچه در درجه‌ی اول اهمیت قرار دارد، این است که اهتمام همه‌ی مردم، نخبگان مردم و مسؤولان گوناگونِ بخش‌های مختلف این باشد که رئیس‌جمهوری انتخاب شود که بتواند گره‌های زندگی مردم را در دوران کنونی باز کند؛ وظایف این دوره را بشناسد و با قوت و اقتدار به آن عمل کند. ان‌شاءاللّه مردم کاری کنند که خدای متعال رئیس‌جمهوری با این توانایی‌ها و با این رویکردها برای این کشور مقدر کند، ...» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۸۴/۲/۱۱). دیدگاه ایشان در خصوص حق انتخاب شدن و به عهده گرفتن مناصب انتخابی در قالب پاسخ به سؤال شرعی فرمودند؛ «...، شخصی توانایی انجام مسئولیت را در خود می‌بیند، آیا خود را در معرض مسئولیت قراردادن و ثبت‌نام در انتخابات بر او واجب است؟ بر کسانی که حقیقتاً خود را دارای شرایط برای خدمتگزاری به نظام اسلامی می‌دانند، واجب‌کفایی است» (پاسخ به سؤالات شرعی، آیت‌الله خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۹۶/۲/۲۵).

در دیدگاه مقام معظم رهبری حق انتخاب شدن برای آحاد مردم مبتنی بر اصل فضیلت و شایستگی است، چنانچه می‌فرمایند؛ «...، در همه‌ی نظامات جمهوری‌اسلامی، در قوه‌ی مجریه، در قوه مقننه، در قوه قضائیه، در نیروهای مسلح، در نهادهای گوناگون، این اصل شایسته‌سالاری باید رعایت شود. شایسته‌گزینی؛ گزینش باید بر طبق معیارها و صلاحیت‌ها باشد، نه بر طبق امیال و چیزهای شخصی، این در اسلام خودش یک اصل است» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در تاریخ ۲۴ /۱۳۹۰/۷).

مقام معظم رهبری هم در استفاده از ظرفیت مردمی در امر نظارت تأکیدات مهم وقابل توجهی داشته‌اند، چنانچه ایشان می‌فرمایند؛ [مسئولین] از ظرفیّت مردمی هم برای نظارت عمومی استفاده کنند. در گوشه و کنار کشور مواردی هست که فساد هست، ویژه‌خواری هست که ممکن است از چشم مسئولین ذی‌ربط دور مانده باشد، پنهان مانده باشد؛ اینها را مردم مشاهده می‌کنند، می‌بینند؛ از ظرفیّت مردم در این زمینه هم

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

استفاده بشود. بنابراین مردمی بودن یکی از کارهای بسیار اساسی است و باید دولت‌مردان این را به همین شکلی که اجمالاً عرض شد دنبال بکنند (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در تاریخ ۱۰/ ۱۱/ ۱۴۰۰).

رهبری در پاسخ به سوال یک دانشجو در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر در خصوص نشریات و مطبوعات فرمودند؛ «...، من مطبوعات را یک پدیده ضروری، لازم و اجتناب ناپذیر برای جامعه خودمان و هر جامعه‌ای که بخواهد خوب زندگی کند، می‌دانم. برای مطبوعات هم سه وظیفه عمده قائلم: وظیفه نقد و نظارت، وظیفه اطّلاع رسانی صادقانه و شفّاف، وظیفه طرح و تبادل آراء و افکار در جامعه. معتقدم که آزادی قلم و بیان، حقِ مسلّم مردم و مطبوعات است. در این هم هیچ تردیدی ندارم و این جزء اصول مصرّحه قانون اساسی است. معتقدم اگر جامعه‌ای مطبوعات آزاد و دارای رشد و قلم‌های آزاد و فهمیده را از دست بدهد، خیلی چیزهای دیگر را هم از دست خواهد داد. وجود مطبوعات آزاد، یکی از نشانه‌های رشد یک ملت و حقیقتاً خودش هم مایه رشد است؛ یعنی از یک طرف رشد و آزادگی ملت، آن را به وجود می آورد؛ از طرف دیگر، آن هم به نوبه خود می تواند رشد ملت را افزایش دهد. البته معتقدم در کنار این ارزش، ارزش‌ها و حقایق دیگری هم وجود دارد که با آزادی مطبوعات و آزادی قلم، آن ارزش ها نباید پایمال شود. هنر بزرگ این است که کسی بتواند هم آزادی را حفظ کند، هم حقیقت را درک کند، هم مطبوعات آزاد داشته باشد، هم آن آسیب‌ها دامنش را نگیرد. باید این گونه مشی کرد» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در تاریخ، ۱۲/۰۹/ ۱۳۷۹)

مقام معظم رهبری در خصوص موضوع آزادی می‌فرمایند؛ «...، منظور از آزادی که در این‌جا بحث می‌کنیم آزادی اجتماعی است؛ آزادی به مثابه یک حقّ انسانی برای اندیشیدن، گفتن، انتخاب کردن و از این قبیل. همین مقوله، در کتاب و سنّت مورد تجلیل قرار گرفته است. آیه شریفه ۱۵۷ سوره اعراف می‌فرماید: الّذین یتبّعون الرّسول النّبیّ الامّیّ الّذی یجدونه مکتوباً عندهم فی التّوریة والانجیل یأمرهم بالمعروف و ینهاهم عن المنکر و یحلّ لهم الطیّبات و یحرّم علیهم الخبائث و یضع عنهم اصرهم و الاغلال الّتی کانت علیهم. خداوند یکی از خصوصیات پیامبر را این قرار می‌دهد که غل و زنجیرها را از گردن انسان‌ها بر می‌دارد و «اصر» یعنی تعهّدات تحمیلی بر انسان‌ها را از آنها می‌گیرد. مفهوم خیلی عجیب و وسیعی است. اگر وضع جوامع دینی و غیردینی در آن دوره را در نظر داشته باشید، می‌دانید که این «اصر» – این تعهّدات و پیمان‌های تحمیلی بر انسان‌ها – شامل بسیاری از عقاید باطل و خرافی و بسیاری از قیود اجتماعی غلطی که دست‌های استبداد یا تحریف یا تحمیق بر مردم تحمیل کرده بود، می‌شود...» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۷۷/۶/۱۲).

نتیجه‌گیری

در دیدگاه رهبران انقلاب اسلامی فلسفه تشکیل حکومت اسلامی، ایجاد قسط و عدالت در جامعه می‌باشد. بر اساس این دیدگاه، جمهوری‌اسلامی با هدف پاسداشت عدالت اجتماعی استقرار یافته و تداوم مشروعیت آن و همچنین کارگزاران به رفتار و جهت‌گیری عادلانه است. هر چند در دیدگاه رهبران به‌صورت خاص و

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

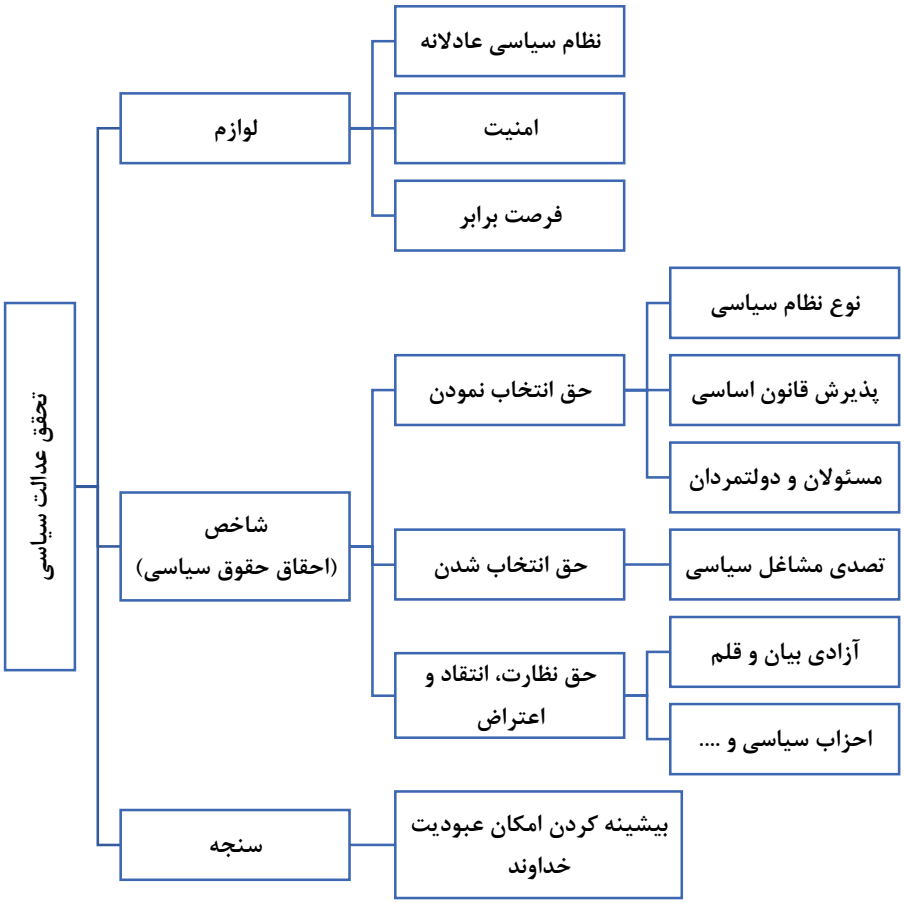
عینی به نظریه عدالت سیاسی اشاره نشده است اما در گفتمان فکری و رفتار عملی آنها می‌توان انگارهای نظری و عملی عدالت سیاسی را فهم کرد. رهبران انقلاب در سپهر نظر و عرصه عمل به پاسداشت حقوق سیاسی ملت التزام داشته و مسئولان و مردم را به صیانت، اعمال و احقاق این حقوق فراخوانده‌اند. براساس این دیدگاه، عدالت سیاسی به معنای ایفای حقوق سیاسی مردم می‌باشد. در دیدگاه رهبران، «حق انتخاب کردن»، «حق انتخاب شدن» و «حق نظارت، انتقاد و اعتراض» شاخص‌های سه گانه حقوق سیاسی بوده و به نظر می‌رسد تمامی حقوق سیاسی ملت در ذیل این سه شاخص قابل احصاء باشند. شهروندان با برخوردار شدن این حقوق سه‌گانه سیاسی، می‌توانند در راستای تعیین سرنوشت جامعه، مشارکت سیاسی فعالانه‌ای داشته باشند و عملاً با نظارت و مشارکت در فرآیند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در پیشبرد مدیریت و پیشرفت جامعه، ایفای نقش نمایند. در دیدگاه رهبران، تحقق عدالت سیاسی منوط به لوازم سه گانه«نظام سیاسی عادلانه»، «امنیت» و «فرصت برابر» است. بر این اساس، در دیدگاه رهبران انقلاب، حکومت اسلامی ـجمهوری‌اسلامیـ از مصادیق نظام سیاسی عادلانه است که می‌تواند ضامن اجرا، حفظ و بقای تحقق عدالت سیاسی در جامعه باشد. تأمین نسبی امنیت در جامعه شرط لازم هرگونه برنامه و اقدام، جهت اجرای عدالت سیاسی است. همچنین تأمین زیرساخت‌های نظری، قانونی و ساختاری به منظور ایجاد فرصت برابر برای همگان از لوازم تحقق عدالت سیاسی می‌باشد.

برخورداری مردم از نظام سیاسی عادلانه، حق تعیین سرنوشت، آزادی‌های سیاسی (قلم، بیان و احزاب)، مشورت، اعتراض و نظارت عمومی مهم‌ترین مصادیق حقوق سیاسی به‌شمار می‌آید که می‌توان تحقق آنها را در ذیل طرح کلان‌تری از حقوق سیاسی احصاء کرد. اول؛ حق انتخاب نمودن که ناظر بر انتخاب نوع نظام سیاسی و مسئولان و دولتمردان است و دوم؛ حق انتخاب شدن که ناظر بر رسیدن به مشاغل و مناصب سیاسی و مشارکت کردن در تصمیم‌گیری، قانونگذاری و اداره جامعه است و سوم؛ حق انتقاد و نظارت که ناظر بر نظارت همگانی بر رفتار مسئولان و دولتمردان از طریق به رسمیت شناختن آزادی قلم، بیان و احزاب است و از سوی دیگر، باید توجه کرد که احقاق حقوق سیاسی سه‌گانه مذکور در راستای تحقق عدالت سیاسی در جامعه نیازمند حداقل فراهم ساختن لوازمی سه گانه یعنی نظام سیاسی عادلانه، امنیت و فرصت برابر است. دو رکن اصلی تحقق عدالت سیاسی، مردم و حاکمیت هستند. از یک سو، حاکمیت باید التزام به پاسداشت حقوق سیاسی مردم داشته باشد و از سوی دیگر، مردم باید با نقش‌آفرینی از حقوق سیاسی خود صیانت نمایند.

عدالت سیاسی به‌مثابه شاخه‌ای از عدالت اجتماعی مأموریت احقاق حقوق سیاسی شهروندان را بر عهده داشته و به سهم خود می‌تواند در میزان تقرب‌الهی جامعه ایفای نقش نماید. بنابراین برای ادراک دیدگاه رهبران انقلاب اسلامی می‌توان از مدل نظری ذیل پیروی کرد.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir



نمودار ۱: مدل تحقق عدالت سیاسی از منظر رهبران انقلاب اسلامی

References

– Ashuri, Dariush, (1994). *Political encyclopedia*, Tehran: Marwarid Publishing House, third edition.

– Imam Jumezadeh, Seyedjavad; Milani, Jamil (2018). "Political Justice Indicators and Strategies for Its Realization", Specialized Scientific Journal of Political Research, Year 1, Number 1.

– Jamalzadeh, Naser (2008). "Political and social justice in three jurisprudential", philosophical and sociological approaches, Political Science Journal, No. 8, autumn and winter.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

– Kazemi brothers, Bahram (2002). *Justice in the Islamic political system*, Tehran, Islamic Culture and Thought Research Institute.
– Khomeini, Ruhollah (1999). *Imam Newspaper*, Tehran: Institute for Organizing and Publishing the Works of Imam Khomeini (RA).
– Khomeini, Ruhollah (2004). *Political and social will*, Tehran: Imam Khomeini's (R.A.) Writing and Publishing Institute.
– Khorramshad, Mohammad Bagher; Jamali, Javad (2017). "Political matters and political discourses in Iran after the Islamic Revolution (1979-2013)", Scientific-Research Quarterly of Islamic Revolution Studies, 15.
– Kikha, Najmeh (2010). *Social justice*, Tehran: Young Thought Center.
– Lakzaei, Najaf (2004). *Ayatollah Motahari's political thought*, Qom, Bostan Kitab.
– Mirahmadi, Mansour and Shiri, Akram (2008). “Political justice in the discourse of Islamic political jurisprudence”, Ministry of Science Promotion Quarterly, No. 48.
– Motahari, Morteza (1973). *Adl Elahi*, Tehran, Sadra.
– Mousavi, Jamaluddin (2001). *Social justice in Islam*, Tehran, Cultural Institute of Contemporary Knowledge and Thought.
– Nira Chandouk (1998). *Civil society and government*, translated by: Feridon Fatemi, Tehran: Nahr-e-Karzan. b) Farsi articles.
– Rawls, John, (1999). *Theory of justice*, translation: Mohammad Kamal Sarwarian, Morteza Bahrani; Tehran: Research Institute of Cultural and Social Studies.
– Shariat, Farshad (2008). *Examining the theoretical dimensions of justice in the political discourse of Islam and the West*, Tehran, Imam Sadegh University (AS).
– Statements of Ayatollah Khamenei on 1993/08/25
– Ayatollah Khamenei's statements on 1995/05/29
– Ayatollah Khamenei's statements on 1998/09/03
– Statements of Ayatollah Khamenei on 1999/12/27
– Statements of Ayatollah Khamenei on 2000/02/15
– Statements of Ayatollah Khamenei on 2001/02/27
– Ayatollah Khamenei's statements on 2001/06/04
– Ayatollah Khamenei's statements on 2002/09/22
– Ayatollah Khamenei's statements in history on 2003/07/28
– Ayatollah Khamenei's statements on 2003/09/10
– Statements of Ayatollah Khamenei on 2004/02/
– Ayatollah Khamenei's statements on 2004/06/03
– Statements of Ayatollah Khamenei on 2005/06/04
– Statements of Ayatollah Khamenei on 2005/06/15
– Statements of Ayatollah Khamenei on 2006/01/22
– Statements of Ayatollah Khamenei on 2006/02/13
– Statements of Ayatollah Khamenei on 2011/10/16
– Statements of Ayatollah Khamenei on 2012/03/08
– Ayatollah Khamenei's statements on 2013/05/27
– Ayatollah Khamenei's statements on 2013/06/29
– Statements of Ayatollah Khamenei on 2013/07/24
– Statements of Ayatollah Khamenei on 2013/07/24

Archive of SID.ir